



دعوای ورشکستگی در رویہ دادگاہا

توحید زینالے
وکیل پایه یک دادگستری



فهرست کلی

۹.....	مقدمه.....
۱۱.....	معرفی و نمونه دادخواست دعوای ورشکستگی.....
۳۳.....	دعوای ورشکستگی در آرای دیوان عالی کشور.....
۳۵.....	مبحث اول: آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور.....
۸۰.....	مبحث دوم: آرای اصراری دیوان عالی کشور.....
۱۱۹.....	مبحث سوم: آرای شعب دیوان عالی کشور.....
۱۲۵.....	دعوای ورشکستگی در آرای دادگاهها.....
۱۲۷.....	مبحث اول: آرای دادگاههای بدوی و تجدیدنظر.....
۱۶۰.....	مبحث دوم: آرای دادگاههای انتظامی قضات.....
۱۶۷.....	دعوای ورشکستگی در نشستهای قضائی.....
۱۸۵.....	دعوای ورشکستگی در نظریه‌های مشورتی.....
۱۹۹.....	دعوای ورشکستگی در قوانین و مقررات قانونی.....
۲۰۱.....	از قانون تجارت.....
۲۲۸.....	متفرقات مواد قانون تجارت.....
۲۴۲.....	آیین‌نامه قانون تصفیه امور ورشکستگی.....
۲۵۷.....	منابع و مأخذ.....

فهرست جزئی

۹.....	مقدمه.....
۱۱.....	معرفی و نمونه دادخواست دعوای ورشکستگی.....
۱۵.....	گفتار اول: تاجر بودن.....
۱۶.....	گفتار دوم: توقف از پرداخت دیون.....
۱۷.....	گفتار اول: انواع دعوای ورشکستگی حسب درخواست.....
۱۸.....	گفتار دوم: انواع دعوای ورشکستگی به نتایج.....
۲۱.....	گفتار اول: آثار کلی حکم ورشکستگی.....
۲۵.....	گفتار اول: صلاحیت محاکم در رسیدگی به دعوای ورشکستگی.....
۲۷.....	گفتار دوم- نحوه طرح دعوای ورشکستگی.....
۲۹.....	دادخواست حکم ورشکستگی از طرف دادستان.....
۳۰.....	دادخواست حکم ورشکستگی از طرف تاجر ورشکسته.....
۳۱.....	دادخواست حکم ورشکستگی از طرف طلبکار.....
۳۳.....	دعوای ورشکستگی در آرای دیوان عالی کشور.....

مبحث اول: آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور	۳۵
۱. محسوب گردیدن وزارت دارایی در ردیف سایر بستانکاران عادی در وصول مالیات و جرائم از بازرگانان ورشکسته	۳۵
۲. اعتبار دفاتر بازرگانی تجار در دعاوی	۴۴
۳. رعایت ترتیب استفاده از اموال متوقف برای دیان تاجر ورشکسته	۴۵
۴. مطالبه خسارت تأخیر ایام بعد از توقف ورشکسته	۴۷
۵. ممنوعیت بازداشت ورشکسته به جهت عدم پرداخت خسارت مدعی خصوصی	۶۷
۶. اقامه دعوا علیه شخصیت حقوقی	۷۳
۷. ابطال کلیه احکام صادره علیه تاجر متوقف در زمان توقف در مورد اموال تاجر متوقف	۷۴
مبحث دوم: آرای اصراری دیوان عالی کشور	۸۰
۱. عدم تلازم بین ورشکستگی و کلاهبرداری با صدور چک بلامحل	۸۰
۲. رسیدگی به دعوی ورشکستگی به تقلب در مرجع کیفری با صدور قرار اناطه	۸۳
۳. حق تقدم در اموال تاجر ورشکسته	۱۱۰
۴. صلاحیت دادگاه در رسیدگی به ادعای طلبکار در خارج از موعد به اداره تصفیه	۱۱۱
۵. ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوه	۱۱۴
مبحث سوم: آرای شعب دیوان عالی کشور	۱۱۹
۱. توقیف تاجر ورشکسته به عنوان اقدام احتیاطی و نه مجازاتی	۱۱۹
۲. دادخواست توقف تاجر ورشکسته	۱۱۹
۳. ارجاع دعوی ورشکستگی به داوری	۱۲۰
۴. دادخواست اعتراض به تاریخ حکم توقف ورشکسته	۱۲۰
۵. پرداخت هزینه دادرسی پژوهشی از دارایی تاجر ورشکسته	۱۲۱
۶. رسیدگی دادگاه به تمام بدهی و وجوه ورشکسته قبل از حکم به توقف او	۱۲۱
۷. ورشکستگی تاجر از تاریخ توقف او از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست.	۱۲۲
۸. ممنوعیت ورشکسته از مداخله در تمام اموال خود از تاریخ توقف	۱۲۲
۹. ملاک تاریخ توقیف در ورشکستگی	۱۲۲
دعوی ورشکستگی در آرای دادگاهها.....	۱۲۵
مبحث اول: آرای دادگاههای بدوی و تجدیدنظر	۱۲۷
۱. دعوی ورشکستگی شرکت منحل شده	۱۲۷
۲. بطلان معاملات ورشکسته در فاصله توقف تا صدور حکم ورشکستگی	۱۲۸
۳. وضعیت معاملات تاجر پس از تاریخ توقف	۱۳۰
۴. عدم صدور حکم ورشکستگی در مورد کاسب جزء	۱۴۲
۵. شرایط اقامه دعوی ورشکستگی توسط تاجر	۱۴۴
۶. عدم ارائه دفاتر تجاری به دادگاه	۱۴۶

۷. تشریفات صدور حکم ورشکستگی ۱۴۷
۸. عدم تلقی دین ناشی از محکومیت‌های جزایی به‌عنوان دیون تجاری تاجر ۱۴۹
۹. طرف‌های دعوای ورشکستگی ۱۵۱
۱۰. اثر عدم پرداخت دیون بر دعوای اعلام ورشکستگی ۱۵۵
۱۱. عدم دلالت بر توقف ورشکستگی در صورت نپرداختن یک فقره چک ۱۵۷
- مبحث دوم: آرای دادگاه‌های انتظامی قضات ۱۶۰
۱. توقیف تاجر به علت تأخیر در تسلیم عرض حال توقف ۱۶۰
۲. حکم توقف تاجر بدون تعیین جلسه رسیدگی ۱۶۰
۳. رد عرض حال اعسار به استناد تاجر بودن مدعی ۱۶۱
۴. قبول عرض حال افلاس از شخصی که شغل خود را تجارت معرفی نموده ۱۶۲
۵. عدم نیاز به دلیل توقف تاجر برای صدور حکم توقف ۱۶۲
۶. توقف عملیات اجراییه قبل از تقدیم عرض حال توقف مدعی علیه ۱۶۳
۷. تخلف و کلاهبرداری شرکت ۱۶۴
- دعوای ورشکستگی در نشست‌های قضائی ۱۶۷**
۱. تاریخ ممنوعیت ورشکسته از مداخله در دارایی خود ۱۶۹
۲. موارد تجویز فروش اموال ورشکسته ۱۶۹
۳. تکلیف دادگاه در صورت اعلام ورشکستگی یکی از خواندگان در اثنای رسیدگی ۱۷۱
۴. طرح دعوا به طرفیت خوانده فاقد اهلیت از جمله ورشکسته ۱۷۲
۵. حق تقدم درخواست‌کننده قرار تأمین نسبت به سایر طلبکاران ۱۷۳
۶. مقدم بودن مرتبه بر سایر طلبکاران در استیفای طلب ۱۷۵
۷. الزام ورشکسته به پرداخت نفقه زوجه ۱۷۶
۸. عدم پذیرش ادعای اعسار از شخص تاجر ۱۷۷
۹. حق تقدم وصول طلب در مورد بدهکار ورشکسته ۱۷۸
۱۰. ادعای ورشکسته شرکت تجاری ۱۷۹
۱۱. تقدیم دادخواست مبنی بر صدور حکم ورشکستگی ۱۸۲
۱۲. عدم رجوع طلبکار به مدیر تصفیه برای وصول طلب خود در موعد معین ۱۸۳
- دعوای ورشکستگی در نظریه‌های مشورتی ۱۸۵**
۱. حق صندوق (الف) از تمام دارایی ورشکسته ۱۸۷
۲. دعوای ورشکستگی علیه شرکت سهامی ۱۸۷
۳. آثار ورشکستگی در فسخ معامله یا قرارداد فی‌مابین ۱۸۸
۴. هزینه واخواست در امور مربوط به تصفیه امور ورشکستگی ۱۹۰
۵. مرجع صالح برای رسیدگی به اعلام ورشکستگی ۱۹۱
۶. توقیف مطالبات شرکت از دیگران بابت دیون اعضاء شرکت ۱۹۱

۱۹۲	۷. انحلال شرکت با مسئولیت محدود و تعیین مدیر تصفیه
۱۹۵	۸. وصول عشریه اجرایی از مال محکوم علیه ورشکسته
۱۹۹	دعوای ورشکستگی در قوانین و مقررات قانونی
۲۰۱	از قانون تجارت
۲۰۱	باب یازدهم/ در ورشکستگی
۲۰۱	فصل اول- در کلیات
۲۰۱	فصل دوم- در اعلان ورشکستگی و اثرات آن
۲۰۳	فصل سوم- در تعیین عضو ناظر
۲۰۳	فصل چهارم- در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته
۲۰۴	فصل پنجم- در مدیر تصفیه
۲۰۵	فصل ششم- در وظایف مدیر تصفیه
۲۰۵	مبحث اول: در کلیات
۲۰۶	مبحث دوم: در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی
۲۰۷	مبحث سوم: در فروش اموال و وصول مطالبات
۲۰۸	مبحث چهارم: در اقدامات تأمینیه
۲۰۸	مبحث پنجم: در تشخیص مطالبات طلبکارها
۲۱۰	فصل هفتم- در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته
۲۱۰	مبحث اول: در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها
۲۱۱	مبحث دوم: در قرارداد ارفاقی
۲۱۱	فقره اول- در ترتیب قرارداد ارفاقی
۲۱۲	فقره دوم- در اثرات قرارداد ارفاقی
۲۱۳	فقره سوم- در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی
۲۱۵	مبحث سوم: در تفریح حساب و ختم عمل ورشکستگی
۲۱۷	فصل هشتم- در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هریک از آنها
۲۱۷	مبحث اول: در طلبکارهایی که رهنه منقول دارند
۲۱۷	مبحث دوم: طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حق تقدم دارند
۲۱۸	فصل نهم- در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول
۲۱۹	فصل دهم- در دعوی استرداد
۲۲۱	فصل یازدهم- در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی
۲۲۲	باب دوازدهم/ در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب
۲۲۲	فصل اول- در ورشکستگی به تقصیر
۲۲۳	فصل دوم- در ورشکستگی به تقلب
۲۲۴	فصل سوم- جنایات اشخاص غیر از تاجر ورشکسته

۲۲۵.....	فصل چهارم- در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تصحیر یا تقلب
۲۲۵.....	باب سیزدهم/ در اعاده اعتبار
۲۲۸.....	متفرقات مواد قانون تجارت
۲۳۰.....	مبحث اول: سازمان اداره تصفیه
۲۳۱.....	مبحث دوم: اقدامات تأمینی اداره تصفیه
۲۳۳.....	مبحث سوم: دعوت بستانکاران
۲۳۴.....	مبحث چهارم: اداره اموال
۲۳۵.....	مبحث پنجم: رسیدگی به مطالبات
۲۳۶.....	مبحث ششم: تصفیه
۲۳۸.....	مبحث هفتم: تقسیم وجوه حاصله از فروش
۲۳۸.....	مبحث هشتم: خاتمه ورشکستگی
۲۳۹.....	مبحث نهم: مقررات مالی
۲۴۰.....	مبحث دهم: مقررات مخصوص
۲۴۲.....	آیین نامه قانون تصفیه امور ورشکستگی
۲۴۲.....	فصل اول- صورت مجلس ها و حسابداری
۲۴۲.....	مبحث اول: مقررات عمومی
۲۴۳.....	مبحث دوم: صورت مجلس ها
۲۴۴.....	مبحث سوم: نگاهداری اسناد ورشکستگی
۲۴۵.....	مبحث چهارم: نگاهداری دفاتر حسابداری
۲۴۷.....	فصل دوم- اجرای مقررات مربوط به مراحل مختلفه ورشکستگی
۲۴۷.....	مبحث اول: تهیه صورت دارایی
۲۴۹.....	مبحث دوم: دعوت بستانکاران
۲۴۹.....	مبحث سوم: اداره اموال
۲۵۰.....	مبحث چهارم: رسیدگی به مطالبات
۲۵۲.....	مبحث پنجم: تصفیه
۲۵۳.....	مبحث ششم: تقسیم وجوه حاصله
۲۵۴.....	مبحث هفتم: خاتمه ورشکستگی
۲۵۴.....	مبحث هشتم: تصفیه اختصار
۲۵۵.....	مبحث نهم: مقررات مخصوص
۲۵۷.....	منابع و مأخذ.....

مقدمه

معمولاً رویه عملی دادگاه‌ها در استنباط از قوانین و مقررات در جهت انطباق با مصادیق واقعی تا حدودی متفاوت است، با آنچه در کلاس‌های تئوریک دانشگاه‌ها به دانشجویان حقوق آموزش داده می‌شود که البته روند آموزشی و طریق ارائه مطالب در کلاس‌های درسی هم به شکلی است که برای طی مراحل تحصیلی صرف مطالعه و پاسخ به سؤالات به‌صورت تئوری و بدون تطبیق با مصادیق عملی کفایت می‌کند. به این ترتیب معمولاً چون امکان انجام کار عملی قبل از خروج از دانشگاه برای دانشجویان این رشته وجود ندارد فارغ‌التحصیلان وقتی وارد مرحله کار می‌شوند با کمبود آگاهی و اطلاعات از رویه قضائی و شیوه استدلال و استنباط عملی دادگاه‌ها مواجه هستند؛ لیکن اهمیت آگاهی از رویه قضائی با ورود به میدان کار و فعالیت بر هیچ فارغ‌التحصیل حقوقی پوشیده نیست. بی‌تردید تنها منبع آموزش عملی وکالت، قضاوت و به‌طور کلی حقوق، بعد از حضور عملی در دادگاه‌ها و جلسات رسیدگی، همین رویه قضائی می‌باشد؛ به عبارت دیگر مطالعه تصمیمات، پرسش و پاسخ‌ها و اختلاف‌نظرهای کسانی که هر روز به‌صورت عملی در حال انطباق قوانین با مصادیق واقعی هستند می‌تواند اطلاعات کاربردی و عملی را در اختیار خواننده قرار دهد.

اگرچه فارغ‌التحصیلان حقوق بیش از سایرین به مطالعه رویه قضائی نیازمند هستند؛ اما هیچ قشری از جامعه بزرگ رشته حقوق قضائی نمی‌تواند بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این حوزه باشد؛ زیرا رویه قضائی در واقع روح زنده و محرک رشته حقوق است که دائم در حال تغییر و تحول می‌باشد و غفلت از این حوزه به قیمت عقب‌ماندگی از علم واقعی حقوق و جامعه حقوقدانان تمام خواهد شد. از این رو ناشران تخصصی این حوزه، هرکدام به طریقی نسبت به جمع‌آوری و انسجام‌بخشی به مطالب و موضوعات راجع به رویه قضائی اقدام می‌کنند که انتشارات چراغ دانش نیز در همین راستا و برای انجام بخشی از وظیفه فرهنگی خود در نظر دارد نسبت به تدوین و جمع‌بندی مطالب رویه قضائی به‌صورت منظم و منحصر به فرد با ویژگی‌های مخصوص برای هر دعوا طی یک کتاب جداگانه به‌صورت کاربردی و با دسترسی آسان به مطالب هر دعوا اقدام نماید. در راستای تأمین این هدف مجموعه‌ای از کتاب‌ها هرکدام تحت عنوان کلی «دعوائی... در رویه دادگاه‌ها» شامل موارد زیر تدوین و تألیف خواهد شد:

۱. آراء وحدت رویه؛

۲. آراء اصراری؛

۳. آراء شعب دیوان عالی کشور؛

۴. آراء دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر؛

۵. نشست‌های قضائی؛

۶. نظریه‌های مشورتی؛

۷. قوانین و مقررات مرتبط با موضوع؛

۸. نمونه دادخواست و معرفی دعوا.

در این مجموعه سعی شده است رویه قضائی کشور در خصوص هر دعوا به صورت منسجم و منظم گردآوری شود تا وکلا، حقوقدانان و قضات محترم در مراجعه به رویه قضائی در کمترین زمان به بهترین وجه مطالب مطلوب خود را یافته و استفاده نمایند. با توجه به تعدد بسیار آراء دادگاه‌ها (دادگاه بدوی و تجدیدنظر) در برخی موارد حداکثر سعی بر آن بوده از موارد متفاوت آراء صادره در موضوع نمونه در قسمت رأی آورده شود و همچنین در سایر موارد؛ مثل آراء وحدت رویه، آراء دیوان عالی کشور، موارد مرتبط به موضوع ذکر شده است تا با توجه به اهمیت این آراء مورد استفاده خوانندگان و مراجعه‌کنندگان عزیز قرار گیرد.

مختصر ویژگی‌های کتاب:

۱. تدوین و گردآوری منظم و منسجم تمام مطالب مربوط به دعوا؛

۲. تقسیم‌بندی موضوعی برای هرکدام از مطالب؛

۳. ارائه معرفی دعوا و نمونه دادخواست در اول مجموعه؛

۴. ذکر عنوان برای هر مطلب به صورت خلاصه در فهرست؛

۵. دسترسی سهل و آسان به مطلب دلخواه در کمترین زمان.

«گروه پژوهشی» انتشارات مفتخر خواهد شد از تجربیات، آراء و سایر مطالب حقوقی موجود نزد اساتید، وکلا، حقوقدانان و سایر همکاران در راستای مفیدتر شدن مجموعه در چاپ‌های بعدی استفاده نماید. لذا موجب خرسندی خواهد بود که خوانندگان عزیز از هر صنف ضمن ارسال انتقادات و پیشنهادات خود در مورد هرکدام از موضوعات به صورت (کتبی یا از طریق ایمیل یا تلفنی) ما را در پربار کردن مجموعه حاضر یاری فرمایند.

مدیر مسئول انتشارات

یک هزار و سیصد و نود و شش

فصل اول

معرفی و نمونه دادخواست
دعوی ورشکستگی

معرفی دعوی ورشکستگی

در طرح دعوی ورشکستگی ابتدا با مفهوم تاجر آشنا می شویم. تاجر، کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد و کلیه معاملات وی تجاری محسوب می گردد مگر اینکه ثابت بشود معامله مربوط به امور تجاری نیست منظور از امور تجاری، معاملات تجاری است که تاجر انجام می دهد و این معاملات را می توان به دو دسته معاملات تجاری ذاتی و تجاری تبعی تقسیم کرد که به تعریف مجزای هر کدام می پردازیم.

الف) معاملات ذاتی تجاری: معاملات ذاتی تجاری از قرار ذیل است:

۱. خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد؛
۲. تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد؛
۳. هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره؛
۴. تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد؛
۵. تصدی به عملیات حراجی؛
۶. تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی؛
۷. هر قسم عملیات صرافی و بانکی؛
۸. معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد؛
۹. عملیات بیمه بحری و غیر بحری؛
۱۰. کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.



ب) معاملات تبعی تجاری: معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها

تجارتی محسوب می‌شود:

۱. کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک‌ها؛

۲. کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجارتی خود می‌نماید؛

۳. کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود

می‌نماید؛

۴. کلیه معاملات شرکت‌های تجارتی.



مبحث اول: شرایط دعوی ورشکستگی

ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود و حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود. حال مجالی است شرایط ورشکستگی را به تفکیک تشریح کنیم.

گفتار اول: تاجر بودن^۱

مقررات ورشکستگی راجع به اشخاص تاجر است و اشخاص غیرتاجر در صورت عجز از پرداخت دیون مشمول مقررات قانون اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۱ بوده، باید دادخواست اعسار با رعایت تشریفات این قانون به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. در این خصوص ماده ۱۳ قانون فوق چنین تکلیف نموده است: «دعوی اعسار در مورد محکوم به در دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوی اصلی یا دادگاه صادرکننده اجرائیه و به طرفیت محکوم له اقامه می‌شود» البته کسبه جزء نیز علی‌رغم تاجر بودن، مشمول مقررات اعسار می‌باشند.

دادخواست اعسار از تاجر و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود و این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند. تاجر بودن خواهان ورشکستگی در زمان تقدیم دادخواست ضروری است و شخصی که تجارتش سابقاً از بین رفته و مالی نداشته، عرفاً به آن نمی‌توان تاجر گفت. دیگر موردی برای عرض حال توقف نیست و دعوی ورشکستگی از وی پذیرفته نخواهد شد.^۲

در مورد اشخاص حقوقی قواعد ورشکستگی تنها در مورد شرکت‌های تجاری اعمال می‌شود و سایر اشخاص حقوقی اعم از اینکه موضوع حقوق خصوصی یا عمومی باشد، مشمول مقررات ورشکستگی نمی‌باشند؛ لیکن به استناد ماده ۲۲۰ ق.ت. شرکت‌های عملی نیز مشمول مقررات ورشکستگی هستند.^۳

۱. ر.ک. محمد دمرچیلی، *قانون تجارت در نظم کنونی*، چاپ چهارم، صص ۴۱۲-۴۱۳.

۲. به موجب رأی شماره ۱۱۷۰-۱۳۸۵۵ شعبه اول دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۱۶/۵/۲۶.

۳. ر.ک. ربیعا اسکینی، *ورشکستگی و تصفیه امور ورشکستگی*، تهران، سمت، زمستان ۱۳۷۵.



گفتار دوم: توقف از پرداخت دیون

توقف: به محض اینکه تاجر قادر به پرداخت دیونی خود نباشد ورشکسته است و نیازی به رسیدگی به بدهی‌ها و اثبات اینکه مجموع بدهی‌های او از مجموع دارایی‌هایش بیشتر است نمی‌باشد؛ بنابراین، اگر از اوضاع و احوال قضیه چنین برآید که پرداخت تمام یا قسمتی از دیون حال تاجر از دارایی سهل‌الوصول او ممکن نیست باید حکم ورشکستگی را صادر کرد.^۱

از سوی دیگر مراد از وقفه در امور تجاری عجز تاجر یا شرکت تجاری است از تأدیه دیون و تعهدات خود می‌باشد؛ ولی اگر تاجر سرمایه او کمتر از دیون باشد ولی بتواند به وسیله اعتباری که دارد تعهدات تجاری خود را ایفا نماید چنین تاجر یا شرکت تجاری متوقف محسوب نمی‌شود.^۲

شرایط دین به شرح ذیل می‌باشد:

اولاً: مسلم و محقق باشد؛

ثانیاً: قابل مطالبه باشد؛

ثالثاً: تجاری بودن دین مهم نیست؛

رابعاً: وجه نقد بدهکار شود، البته منشأ بدهکاری و تعداد دیون پرداخت نشده، مؤثر در مقام نیست.

۱. همان، ص ۲۷.

۲. شعبه چهارم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۹۱۰-۱۱/۴/۱۳۷۱.